

باسمه تعالی

۱..... کلام مرحوم آخوند در بیان موضوع علم اصول

۱..... نقد کلام شیخ توسط مرحوم آخوند

۲..... مناقشه استاد در کلام مرحوم آخوند

۳..... ادامه کلام مرحوم آخوند در بیان موضوع علم اصول

موضوع: کلام مرحوم آخوند / تعریف علم اصول / مقدمه علم اصول

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در تعریف علم اصول و موضوع علم اصول بود.

کلام مرحوم آخوند در بیان موضوع علم اصول

مرحوم آخوند موضوع علم اصول را جامع بین موضوعات مسائل دانستند نه خصوص ادله اربعه بما هی ادله و بعد از فراغ از حجیت و نه ادله اربعه با قطع نظر از حجیت و بما هی هی؛ زیرا اگر موضوع علم اصول خصوص ادله اربعه بما هی ادله باشد، بحث تعادل و تراجیح و حجیت خبر از مباحث اصول خارج خواهد بود چرا که بحث در این ابواب از حجیت خبر و خبر معارض ذو المزیه یا حجیت تخییری خبر می شود و لذا حجیت محمول بر خبر مخیرا یا متعینا می شود، پس موضوع و معروض حجیت، سنت و قول معصوم نیست بلکه حجین خبر حاکی از سنت است و خود حجیت سنت بحثی کلامی است که در اصول از آن بحث نمی شود.

نقد کلام شیخ توسط مرحوم آخوند

مرحوم آخوند فرموده اند: اینکه مرحوم شیخ بحث از حجیت خبر واحد را به اثبات سنت واقعی به سبب خبر ثقه یا خبر ذو المزیه و یا خبر منتخب، ارجاع داده بودند و سعی در این داشتند که این مباحث را از عوارض سنت بدانند، صحیح نیست؛ زیرا بحث از ثبوت سنت به نحو مفاد کان تامه، بحث از مسائل و عوارض سنت نیست چراکه عروض، مفاد کان ناقصه است؛ در حالیکه بحث از تحقق و عدم تحقق قول معصوم در خبر ثقه و... بحث از مفاد کان تامه خواهد بود پس بحث از حجیت خبر واحد و... از مسائل علم و عوارض ذاتی موضوع که ادله اربعه هست، نخواهد بود؛ بلکه این مباحث از مبادی علم خواهد بود.

و اگر گفته شود در بحث از حجیت خبر واحد و... بحث از ثبوت حقیقی نمی شود تا گفته شود که این بحث از مفاد کان تامه بوده و لذا از عوارض سنت نیست و باید از مبادی علم اصول باشد؛ بلکه بحث در حجیت خبر واحد و... بحث از ثبوت تعبدی است که مفاد کان ناقصه است؛ در جواب گفته می شود که این مطلب در حقیقت بحث از حجیت خبر است و این بحث از عوارض خبر خواهد شد؛ زیرا هر چند که این بحث مفاد کان ناقصه است؛ اما حجیت عارض بر خبر است نه بر قول معصوم پس بحث از حجیت خبر و ثبوت تعبدی سنت به سبب خبر واحد، بحث از سنت نیست بلکه بحث از عوارض خبر است. بنابر این با این بیان نمی شود بیان مشهور در موضوع علم اصول را تصحیح نمود.^۱

مناقشه استاد در کلام مرحوم آخوند

این اشکال طبق مبنای مشهور و مرحوم شیخ اشکال صحیحی است؛ اما بر طبق مبنای مرحوم آخوند در بحث حجیت، این اشکال وارد نیست.

توضیح مطلب به این نحو است که برای حجیت معانی متعددی ذکر شده است.

معنای اول: مبنای مشهور و مرحوم شیخ در تبیین معنای حجیت که حجیت را جعل حکم مماثل به نکته سببیت یا مصلحت سلوکیه- به این صورت که مصحح جعل حکم مماثل مصحت سلوکیه یا سببیت است- می دانند و در نتیجه مطابق خبر واحد، جعل حکمی مماثل واقع خواهد شد و لذا اگر هم خبر واحد خلاف واقع باشد، مکلف بر طبق حکم ظاهری مماثل عمل نموده و معذور است.

معنای دوم: مبنای مرحوم نائینی است که حجیت را به معنای تتمیم کشف و جعل علمیت، در مقابل علم تکوینی که مجعول شرع نیست می دانند؛ یعنی شارع اماره را علم حقیقی می داند نه اینکه صرفاً تعبد به آن داشته باشد و لذا با اعتبار شارع و به سبب تعبد، علمی حقیقی تولید می شود و لذا از قبیل ورود خواهد بود و تولید حقیقی است نه حکومت و صرف ادعای علمیت که همان حجیت خواهد شد و لذا همانطور که حجیت، حقیقتاً تولید می شود، علم نیز پس از جعل و اعتبار شارع، حقیقتاً تولید می شود و تنها تفاوت آن با علم تکوینی، عدم نیاز علم تکوینی به اعتبار شارع است.

بر طبق این دو مبنا اشکال مرحوم آخوند وارد است؛ زیرا حجیت به این معنا عارض خبر است نه سنت؛ زیرا بر طبق مبنای تتمیم شکف، مراد از حجیت خبر این است که خبر، علم شود نه اینکه قول معصوم را اعتبار علم کنند و همینطور بر طبق مبنای

^۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۹.

جعل حکم مماثل، مماثل خبر ثقة جعل می شود نه مماثل قول معصوم؛ یعنی پس از حکایت خبر، جعل حکمی مطابق خبر جعل می شود و لذا معنای صدق العادل، جعل حکم مماثل خبر خواهد بود.

اما طبق معنای مرحوم آخوند از مفاد حجیت، منجزیت و معذرت برای خبر جعل می شود؛ یعنی خبر منجز می کند واقع را که همان قول معصوم است؛ پس سنت تنجیز و تعذیر پیدا می کند و عقاب بر مخالفت قول معصوم منجز خواهد شد پس تنجز، حمل بر سنت واقعی و قول معصوم می شود و لذا تنجز و تعذر، عارض بر سنت خواهد بود. پس قول معصوم تنجز و گریبان گیر مکلف خواهد شد.

به عبارت دیگر هر چند که خبر منجز است اما آنچه منجز می شود، قول معصوم خواهد بود و در نتیجه تنجیز عارض بر خبر است و بحث از حجیت خبر واحد، در حقیقت بحث از تنجز قول معصوم به سبب خبر است؛ چرا که قول معصوم فقط در صورت وصول حجیت است و بحث در خبر واحد بحث در این است که قول معصوم به سبب خبر واحد واصل می شود یا نه؛ پس اشکال مرحوم آخوند به مرحوم شیخ، بر طبق نظر مشهور، صحیح است اما طبق نظر مرحوم آخوند، اشکال صحیح نیست و ممکن است ایشان فارغ از مبنای خویش اینگونه اشکال کرده باشد.

ادامه کلام مرحوم آخوند در بیان موضوع علم اصول

اگر در تبیین ادله اربعه که موضوع علم اصول قرار داده شده، گفته شود که مراد از سنت در مقاب لکتاب، اخبار ثقات یا اعم از واقع و حاکی از آن باشد چرا که در اصول بحث از حجیت سنت واقعی نمی شود، در این صورت مشکل بحث از عوارض ذاتی سنت مرتفع می شود؛ زیرا بحث از حجیت خبر، بحث از عوارض سنت به معنای اعم است اما اشکالی دیگر پدید می آید؛ زیرا بحث از ظواهر مانند بحث از ظهورات امر و نهی و... بحث از دلالت است و لذا اختصاصی به روایات و سنت ندارد و به واسطه مساوی با موضوع حمل نشده است پس عرض ذاتی موضوع نیست همانطور که بحث از معنای کلماتی مثل ماء، در علم اصول داخل نیست هر چند که در روایات و آیات نیز تعبیر به ماء وجود دارد و بحث از آن در فهم کتاب سنت مهم است اما از آنجا که بحث مذکور اختصاصی به روایات و تبیین سنت ندارد و در اقاویر و.... نیز مفید است، در علم اصول از آن بحث نشده است.

بنابر این طبق بیان مذکور، تمامی مباحث الفاظ و ظهورات، باید از علم اصول خارج شود مگر اینکه توجیه به این شود که بحث از ظهورات امر و نهی که در اصول بحث شده کلیت در تمامی ابواب دارد و یا اینکه گفته شود این مباحث در علم لغت

بررسی نشده و لذا در اصول بحث کرده این که توجیه تمام نیست؛ زیرا بسیاری از معنای کلمات نیز در لغت بررسی تام نشده است مثلاً لغویون گفته اند: «سعدانه نبت» ولی توضیح کامل نداده اند؛ در حالیکه در اصول هم بحثی از آن نشده است. و همینطور بحث از استلزامات عقلیه مانند بحث ضد و مقدمه و ترتب و... و بحث اجتماع امر و نهی، اختصاصی به شرع ندارد بلکه در موالی عرفیه نیز همین بحث ها وجود دارد و اگر هم اصولی بحث از آن می کند به عنوان عام و به جهت تطبیق این مبحث بر سنت و روایات است.

بنابر این مباحث مذکور هر چند در روایات نیز استفاده می شود اما این مباحث از عوارض ذاتی روایات نیستند؛ زیرا با واسطه اعم، بر سنت و روایات حمل می شوند؛ در حایکه در عرض ذاتی بودن لازم است که محمول یا بدون واسطه یا با واسطه مساوی بر موضوع حمل شود مانند ضاحک بر انسان که با واسطه مساوی حمل شده است و لذا اگر واسطه اعم یا اخص باشد اختصاصی به آن علم ندارد و عرض قریب خواهد بود نه عرض ذاتی و در علم از آن بحث نمی شود.^۱

^۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۹.